

درگذشتگان

آیه الله سامت



عالم ربانی، حضرت آیه الله حاج شیخ عبدالرحیم سامت، یکی از عالمان مشهور قزوین و رئیس حوزه علمیه آن، به شمار می رفت.

فقید سعید در ۶ ربیع الثانی ۱۳۲۱ ق (۱۲۸۱ ش)، در قزوین، در بیت علم و تقوا زاده شد. پدرش آقا میرزا حسن قزوینی از نوادگان رفیع الدین محمد واعظ قزوینی (م ۱۰۸۹ ق) - صاحب «ابواب الجنان» - و از ائمه جماعت شهر بود. معظم له، پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی، به اقتضای شوق فطری و سیره خانوادگی به فراگیری علوم دینی روی آورد و پس از آموختن مقدمات و ادبیات در قزوین، نزد اساتیدی چون آیات: شیخ یحیی مفیدی

(ادبیات و معالم)، سید موسی زربآبادی، شیخ علی اکبر الهیان و سید هبة الله تلاتری و میرزا محمود رئیسی، در سال ۱۳۴۷ ق. به قم مهاجرت کرد و سطوح عالی را نزد حضرات آیات: حاج شیخ حسن نویسی، میرزا ابوالفضل زاهدی قمی و میرزا محمد همدانی و آیه الله سید محمد حجت کوهکمری فرا گرفت (و این غیر از اقامت چندماهه ایشان در مدرسه نیم آورد اصفهان و تلمذ نزد آیات عظام: سید محمد نجف آبادی، سید علی نجف آبادی، سید مهدی درچه ای و حاج آقا رحیم ارباب بود) و پس از آن، در ۱۳۵۲ ق. به نجف اشرف کوچید و در درس حضرات آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، میرزای نائینی، شیخ محمد کاظم شیرازی، شیخ موسی خوانساری، میرزا ابوالحسن مشکینی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی به مدت ۱۰ سال حاضر شد و بهره های فراوان از دانش سرشار آنان بُرد. در سال ۱۳۶۲ ق. با اخذ اجازات متعدد روایت و اجتهاد از استادان خویش، به زادگاهش بازگشت و بیش از نیم قرن به تدریس و تبلیغ دین و اقامه

جماعت و احیای مساجد و مدارس علوم دینی و رسیدگی به امور دینی مردم پرداخت. زندگی اش ساده و طبعش بلند و بنیه اش قوی و اخلاقش خوش و زبانش نرم بود. و در تمام راهپیمائی های پیش از انقلاب در صف مقدم، همراه با دیگر علمای شهر شرکت داشت و نامش همواره در ذیل اعلامیه های علیه رژیم دیده می شد. در تیرماه ۱۳۷۸، همایش بزرگداشت ایشان در دانشگاه علوم پزشکی قزوین برگزار شد و کتابی با نام «رهپوی هدایت» در تجلیل از مقام علمی اش منتشر شد.

برخی از تألیفات وی، عبارتند از:

۱. تقریرات درس فقه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی (طهارت، حج، بیع).
۲. تقریرات درس فقه آیه الله میرزا ابوالحسن مشکینی (صلاة).
۳. تقریرات درس فقه میرزای نائینی (خيارات).
۴. تقریرات درس فقه آقا ضیاء عراقی (زکات، قضا و غصب).
۵. تقریرات درس اصول آقا ضیاء عراقی (دوره کامل).

۶. تقریرات درس اصول مشکینی (قطع و ظن و برائت).  
سرانجام آن عالم خدمتگزار دین، با عمری قریب یکصد سال، در روز دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۷۸ ش (۸ ذی‌قعدة الحرام ۱۴۲۰ ق) بدرود حیات گفت و با تشییعی باشکوه - که در قزوین بی سابقه بود - پس از نماز آیه الله سید عباس ابوترابی در صحن امامزاده حسین (ع) به خاک سپرده شد.

\*

### آیه الله موسوی زنجانی



عالم ربانی حضرت آیه الله حاج سید ابراهیم احمدی موسوی زنجانی از علمای نجف اشرف به شمار بود. وی در سال ۱۳۴۳ ق (۱۳۰۳ ش) در روستای صائین قلعه ابهر به دنیا آمد و پس از اتمام دوران کودکی و نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد. در ۱۸ سالگی (۱۳۶۰ ق) به قم مهاجرت کرد و ادبیات و معالم و شرح لمعه را نزد آیات: شیخ فرج الله واعظی هیدجی و حاج شیخ موسی زنجانی فرا گرفت و پس از آن در ماه صفر ۱۳۶۵ ق به نجف اشرف کوچید و سطوح عالی و فلسفه و کلام را نزد حضرات آیات: شیخ مجتبی لنگرانی (رسائل و کفایه)، سید ابوالقاسم لاهیجی (مکاسب)، سید محمدباقر محلاتی (جلد دوم کفایه)، سید عبدالعلی

سبزواری (شرح منظومه و اسفار) در مدت ده سال بیاموخت. پس از اتمام سطوح، به درس خارج حضرات آیات عظام: میرزا باقر زنجانی، سید عبدالهادی شیرازی، آقای حکیم، سید حسین حمامی تبریزی، شیخ حسین حلی، سید عبدالاعلی سبزواری و به ویژه آیه الله العظمی خویی (ره) (به مدت ۱۶ سال) حاضر شد و بهره های فراوان در علوم فقه و اصول و رجال و تفسیر از ایشان برد. وی، هم زمان با تحصیل، به تدریس سطوح عالی (رسائل و مکاسب و کفایه) و شرح لمعه و شرح تجرید همت گماشت و مورد عنایت مخصوص آیه الله شیخ عبدالکریم زنجانی واقع شد و پس از وفات معظم له، سال های بسیار در رواق حرم امیرالمؤمنین (ع) اقامه جماعت نمود.

معظم له، دارای اجازات متعدد روایی، اجتهادی و حسیبه از آیات عظام: شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، شیخ عبدالکریم زنجانی، سید محمد بغدادی، سید محمود شاهرودی، شیخ کاظم شیرازی، میرزا آقا اصطهباناتی، شیخ عبدالحسین رشتی و اساتیدش بود و سفرهای متعدد برای تبلیغ دین به کویت و اردن و سوریه و لبنان و عراق و ترکیه نمود و در سال ۱۳۳۴ ش توانست، در روستای صائین قلعه ابهر در مانگاه خیریه بنیاد نهد.  
وی سراسر عمر شریفش را به تحصیل، تدریس، تألیف و تبلیغ دین گذراند و موفق شد تا شاگردان و کتاب های بسیار از خویش به یادگار گذارد. برخی از آنها عبارتند از:  
الف. کتاب های چاپی:  
۱. تاریخ زنجان (علما و دانشمندان).

۲. تذکره جامع الانساب (تاریخ امامزادگان).
۳. عقائد الامامیه الاثنی عشریه.
۴. اثبات الحججه و علائم الظهور.
۵. کشکول.
۶. تعلیقه بر شرح تجرید.
۷. وسیلة الدارین فی انصار الحسین (ع).
۸. بداية الفلسفة الاسلامیه.
۹. فقه الشیعة الامامیه.
۱۰. فضائل اهل البيت (ع).
- ب. کتاب های غیر چاپی:  
۱۱. تقریرات درس اصول آیه الله خویی (دوره کامل).
۱۲. تقریرات درس فقه آیه الله خویی (طهارت، مکاسب محرمة، اجتهاد و تقلید).
۱۳. تقریرات درس فقه میرزا باقر زنجانی (عدالت).
۱۴. جغرافیای شهرهای ایران.
۱۵. اساطین الشیعه (با ۳۰۰ عکس).
۱۶. فوائد الرضویة.
۱۷. آثار المعاصی.
۱۸. شرح منظومه سبزواری.
۱۹. ذکری (در مواعظ و اخلاق).
۲۰. خلاصة المعارف الالهیه.
۲۱. رد بر کمونیسم.
۲۲. شرح حال آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی و شاگردان او.
۲۳. شرح حال آیه الله خویی و شاگردانش.
۲۴. شرح حال آیه الله شیخ عبدالکریم زنجانی و شاگردان وی.
۲۵. مناسک حج (همراه با تاریخ مکه و مدینه).
۲۶. رساله عملیه.

۲۷. حاشیه بر مکاسب.

۲۸. حاشیه بر فرائد الاصول.

۲۹. حاشیه بر کفایة الاصول.

سرانجام آن عالم بزرگوار، در ۷۵ سالگی، در یکشنبه ۲۳ آبان ۱۳۷۸ (پنجم شعبان المعظم، ۱۴۲۰ ق) زندگی را بدرود گفت و پس از تشییع و نماز آیه‌الله سیدحسن موسوی شالی، در روستای «ورسه» - از دهات تاکستان - در جوار پدرش به خاک سپرده شد.

\*

### آیه‌الله علم الهدی سبزواری



حضرت آیه‌الله آقای حاج سید ابراهیم علم الهدی - قدس سره - یکی از مفاخر علمای مشهد به شمار می‌رفت. فقیه سعید در سال ۱۳۳۵ ق (۱۲۹۶ ش) در سبزواری دیده به جهان گشود. پس از دوران کودکی روانه مکتب شد و قرآن و خواندن و نوشتن را بیاموخت و چون ذوق و استعداد سرشاری داشت، به توصیه پدرش به مدرسه «فخریه» رفت و ادبیات و علوم بلاغت و سطوح فقه و اصول را فراگرفت و همزمان کلام و فلسفه را از شاگردان مرحوم حاج ملاهادی سبزواری آموخت. در سال ۱۳۵۳ ق. رهسپار عتبات عالیات شد و پس از استوارسازی معلومات خویش در نجف اشرف، به سال ۱۳۵۵ ق. وارد کربلا شد و یکسره به درس فقه مرحوم

آیه‌الله حاج آقا حسین قمی و دروس آیه‌الله حاج سید محمدهادی میلانی (فقه، اصول و کلام و تفسیر) حاضر شد. به دنبال مهاجرت آیه‌الله میلانی به نجف اشرف در سال ۱۳۶۶ ق. وی نیز به نجف رفت و علاوه بر درس استادش، به درس اصول آیه‌الله العظمی خوئی نیز حاضر شد و مدت ۶ سال بهره‌های فراوان برد. در سال ۱۳۷۳ ق، آیه‌الله میلانی اقامت در مشهد مقدس را برگزید و استاد علم الهدی نیز به تبعیت از ایشان به مشهد آمد و تا آخر عمر در آن تربت پاک ساکن شد.

معظم له به حق، وارث گنجینه علوم آیه‌الله میلانی بود و سه دوره اصول و تمام بحث‌های فقهی ایشان را درک و ضبط نمود و این همه ۳۵ سال از عمر مبارکش را فراگرفت. او مرجع احتیاطات و نماینده تام‌الاختیار و پاسخگوی استفتائات و مسؤل وجوهات - و مقرر درس فقه و اصول مرحوم آیه‌الله میلانی بود و تنها کسی بود که از آن مرجع بزرگ موفق به دریافت اجازه اجتهاد - با تعبیری بلند و مضامینی ارجمند - گردیده بود (و هم از وی اجازه روایت داشت) و استادش، سه روز پیش از وفات (آخر رجب ۱۳۹۵ ق) مَهر و کلید صندوق شخصی خود را به ایشان سپرد. فقیه سعید، به جز سالیان اقامت در کربلا و نجف به مدت ۴۵ سال در مشهد مقدس سطوح عالی و خارج فقه و اصول را درس گفت و شاگردان از علوم خویش بهره‌مند ساخت. وی بر مدرسه علمیه امام صادق (ع) نظارت تام داشت و از این راه، بهترین خدمات را به تشیع و انقلاب اسلامی نمود و طلاب این مدرسه، همواره در جبهه دفاع از نظام در

صحنه‌های جنگ تحمیلی و خدمت در ارگانها و نهادها، شرکت داشتند. معظم له، عالمی وارسته بود که فروتنی از زندگی‌اش مشهود همگان بود و از ظهور و بروز پرهیز می‌کرد. هیچگاه در مقام اسم و رسم نبود و مانند یک فرد معمولی زندگی می‌کرد. با اینکه از معروف‌ترین علمای مشهد و صاحب یکی از درس‌های باارزش حوزه علمیه بود، هیچگاه در صدد افتاء برنیامد و در مسائل شرعی به دیگران حواله می‌داد. علاقه‌اش به ائمه اطهار (ع) به گونه‌ای بود که بی‌اختیار در مصائب آنان اشک می‌ریخت و حال عجیبی به وی دست می‌داد.

برخی از تألیفات وی عبارت است از:

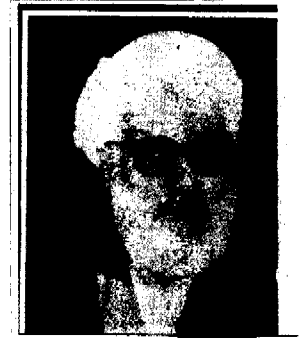
۱. تقریرات درس اصول آیه‌الله میلانی (۳ دوره کامل).
۲. تقریرات درس فقه آیه‌الله میلانی (صلوة، زکات، خمس، مکاسب، اجاره).
۳. تقریرات درس تفسیر آیه‌الله میلانی.
۴. دوره اصول.
۵. حاشیه بر نه‌ایة الدراية مرحوم آیه‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی (که ضمن درس اصول، بدان توجه بسیار داشت و با چیرگی فراوان نظرات مرحوم محقق اصفهانی را مطرح و از آن دفاع می‌کرد).

سرانجام آن عالم بزرگ، پس از پشت سر نهادن یک دوره بیماری، به سن ۸۵ سالگی در پیش از ظهر جمعه ۲۲ شعبان المعظم ۱۴۲۰ ق. بدرود حیات گفت و در روز شنبه پس از تشییع باشکوه، در «دارالزهد» حرم مطهر امام

رضاء(ع) به خاک خفت و به اجداد طاهرینش پیوست .

\*

### حجة الاسلام شریف رازی



حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد شریف رازی، از مورخین حوزه علمیه قم به شمار می رفت . فقید سعید در ماه رمضان ۱۳۴۰ ق . (۱۳۰۰ ش) در شهر ری، در خانه آخوند ملا علیجان کاشانی - که از عباد و وعظ شهر ری بود - به دنیا آمد . در ۱۳ سالگی پدرش را از دست داد و پس از آن به کار و کسب و تحصیل علوم جدید و مقدمات علوم دینی پرداخت . در سال ۱۳۵۷ ق . با صلاحدید آیه الله حاج شیخ محمدتقی بافقی - که دوران تبعیدش را در شهرری می گذرانید - به قم آمد و ادبیات را از مرحوم حاج میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و سطوح عالیه را از محضر آیات عظام : نجفی مرعشی، گلپایگانی و میرزا محمد مجاهدی و حکمت را از حضرت امام خمینی (ره) فرا گرفت . سپس در سال ۱۳۶۲ ق . به حوزه علمیه نجف رفت و مدتی از درس آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ غلامحسین اردبیلی بهره برد . در سال ۱۳۶۳ ق . به ایران آمد و در مشهد مقدس از دروس آیه الله میرزا مهدی اصفهانی به مدت

۸ ماه، استفاده کرده و در ۱۳۶۴ ق . به قم بازگشت و یکسره به درس فقه و اصول حضرات آیات عظام : حجت کوهکمری و آقای بروجردی حاضر شد و بهره های فراوان برد . در سال ۱۳۷۴ ق . به شهرری بازگشت و در تأسیس مدرسه علمیه برهانیه با آیه الله حاج شیخ علی اکبر برهان همکاری بسیار نمود و در مدیریت و تدریس آن سهم به سزایی داشت و این همه، پنج سال به طول انجامید . سپس به قم بازگشت و به تألیف و تحقیق و تبلیغ دین در داخل و خارج کشور اشتغال ورزید .

وی از بسیاری از بزرگان شیعه اجازات امور حسبیه و روایتی دریافت داشت که از جمله اجازات روایی حضرات آیات : میرزا محمد تهرانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ علی اکبر نهاوندی، میرزا آقا اصطهباناتی، سید فخرالدین امامت و نجفی مرعشی بود . به او اذکار و اقامه مجلس عزای سیدالشهداء و ضبط تاریخ حوزه های علمیه و بزرگان شیعه اهمتامی خاص داشت و با تألیف و نگارش کتاب های آثار الحجة و گنجینه دانشمندان، در احیا و بزرگداشت نام و یاد علمای شیعه قدمی بلند و گامی ارجمند برداشت . وی در لجنه «تعلیقات احقاق الحق» شرکت مداوم داشت و مسجد امام حسین (ع) را در حسن آباد تهران بنیاد نهاد .

آثار چاپی اش عبارتند از :

- ۱ . آثار الحجة یا دائرة المعارف حوزه علمیه قم (۲ ج) .
- ۲ . گنجینه دانشمندان (۹ ج) . شرح زندگی علمای معاصر شیعه در شهرهای مختلف ایران و عراق .

- ۳ . زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی و امامزادگان مجاور .
- ۴ . اختران فروزان ری و تهران .
- ۵ . کرامات صالحین .
- ۶ . بستان رازی، در علم کلام و فقه و اخلاق (شرح الفیه مرحوم آیه الله سید محمد حسن آل طیب) .
- ۷ . چرا شیعه شدم؟، در اثبات حقانیت مذهب شیعه از کتاب های اهل سنت به شیوه مناظره .
- ۸ . تحفه قدسی، ترجمه غیبت شیخ طوسی .
- ۹ . گوهر وزین، ترجمه «الدر الثمین» نوشته آیه الله شیخ محمدرضا طبسی .
- ۱۰ . مشاهیر دانشمندان اسلام، ترجمه جلد سوم «الکنی و الالقاب» از محدث قمی و مستدرک آن .
- ۱۱ . شرح زندگی آیه الله سید ابوالقاسم کاشانی .
- ۱۲ . شرح زندگی آیه الله شیخ محمدتقی بافقی به نام «التقوی» .
- ۱۳ . شرح زندگی آیه الله شیخ علی اکبر برهان به نام «برهان ما» .
- ۱۴ . تعلیقه بر «وسائل الشیعة»، از اول کتاب العتق تا آخر دیات و شرح رجال آن (۵ ج) .
- ۱۵ . تعلیقه بر «بحار الانوار»، مجلد اجازات، از جلد ۱۰۱ تا جلد ۱۰۷ (۶ ج) .
- ۱۶ . تعلیقه بر «تزیه القمیین» از شیخ ابوالحسن فتونی عاملی .
- ۱۷ . تعلیقه بر «معادن الحکمة فی مکاتیب الائمة» علم الهدی فیض کاشانی (۲ ج) .
- ۱۸ . مقابر قم (مخطوط) .
- ۱۹ . تاریخ ری و تهران (مخطوط) .

۲۰. دیده‌ها و شنیده‌های من (مخطوط).

معظم‌له پس از ۸۰ سال زندگی، در هفتم محرم الحرام ۱۴۲۰ ق (۲۵ فروردین ۱۳۷۹ ش) بدرود حیات گفت و پس از تشییع و نماز آیه‌الله حاج شیخ محمدتقی بهجت، در قبرستان شیخان سر به تیره تراب سپرد و به موالیان طاهرینش پیوست.

\*

### استاد حسین مکی



پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، استاد سید حسین مکی، یکی از نقش‌آفرینان نهضت ملی شدن صنعت نفت به شمار می‌رفت. فقید سعید در سال ۱۲۹۱ ش (۱۳۳۰ ق) در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی و اخذ دیپلم متوسطه از دارالفنون، به نیروی هوایی ارتش پیوست و تا درجه استواری پیش رفت و پس از آن، از ارتش کناره‌گیری کرد. پس از شهریور ۱۳۲۰ ش، به فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی روی آورد و در روزنامه «مهر ایران» به نگارش تاریخ بیست‌ساله ایران پرداخت. در بهمن ۱۳۲۴ ش. به سمت معاونت شهرداری تهران برگزیده شد و این آغاز رشد سیاسی و اجتماعی وی بود. پس از

تشکیل حزب دموکرات از سوی احمد قوام به آن پیوست و از اراک به نمایندگی مجلس برگزیده شد. در سال ۱۳۲۶ با بازنگری در مواضع سیاسی اش و رها کردن قوام السلطنه به مسأله نفت متوجه شد و با تشکیل جبهه ملی (در ۱۳۲۸ ش) بدان پیوست و در صف کوشندگان نهضت ملی شدن صنعت نفت درآمد. کوشش‌های بسیار وی باعث شد تا به عنوان دبیر جبهه ملی برگزیده شود و پس از نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، مکی که در شمار مشاوران وی بود در تیرماه ۱۳۳۰ جزو هیئت خلع‌ید، عازم خوزستان شد و شخصاً به محل شرکت نفت ایران و انگلیس رفت و تابلوهای آن را پایین کشید. مکی، در این مقام و موقعیت تلاش بسیاری در راستای تحقق خواسته‌های ملت ایران از خود نشان داد، تا بدانجا که مرحوم آیه‌الله کاشانی، بارها از وی تجلیل کرد و در مرداد ۱۳۳۰ پیام قدردانی برایش ارسال نمود.

مرحوم استاد، در جهت جلب افکار عمومی جهان و اثبات حقانیت مردم ایران با سفرهای متعدد به خارج از کشور و دیدار با مقامات جهانی، آنان را با اهداف نهضت آشنا ساخت و از نخستین کسانی بود که تهدید به بستن شیرهای نفت ایران به روی جهانیان کرد. وی در دی‌ماه ۱۳۳۱ ش. از عضویت شورای عالی شرکت ملی نفت ایران استعفا کرد و به فعالیت‌های علمی روی آورد و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، یکسره به نگارش تاریخ معاصر ایران پرداخت. وی که پس از کودتا، نماینده اول تهران در

مجلس شورای ملی بود، به یکباره از سیاست کناره‌گرفت و دیگر، پُست و منصبی را در رژیم شاه-علی‌رغم درخواست مقامات رژیم-نپذیرفت. او اخیراً در مصاحبه‌ای مفصل، بسیاری از ناگفته‌های نهضت ملی شدن صنعت نفت را بازگو کرد و در ضمن آن حوادث دوران شهید آیه‌الله مدرس را برشمرد و از او به عنوان «سیدالشهدای تاریخ معاصر ایران» یاد کرد و بارها در برنامه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به بررسی زوایای سال‌های پیش از انقلاب پرداخت.

برخی از کتاب‌های آن فقید عبارتند از:

۱. تاریخ بیست ساله ایران (۸ جلد).
۲. کتاب سیاه (۲ جلد).
۳. مدرس، قهرمان آزادی (۲ جلد).
۴. استیضاح از دولت ساعد در ۱۳۲۸ ش.
۵. زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه.
۶. دکتر مصدق و نطق‌های تاریخی او.
۷. خلع‌ید.
۸. زندگانی امیرکبیر.
۹. وقایع ۳۰ تیر.

سرانجام آن فقید، پس از ۸۷ سال زندگی در صبح روز جمعه ۱۹ آذرماه ۱۳۷۸ ش (اول رمضان ۱۴۲۰ ق) چشم از جهان فرو بست و در بهشت زهرا -تهران- به خاک آرامید.

ناصرالدین انصاری

\*\*\*

استاد راوندی



استاد مرتضی راوندی، از پژوهشگران و تاریخ‌نویسان نامور و زحمتکش و خستگی‌ناپذیر در آستانه نود سالگی در پی بیماری دیده از جهان فرو بست.

وی در سال ۱۳۳۱ ق. مطابق با ۱۲۹۲ ش. در تهران چشم به جهان گشود. پدرش - سید مهدی موسوی غروی - را که از تحصیل کرده های نجف اشرف بود و از علمای پایتخت به شمار می رفت، در سن سه سالگی پدر را از دست داد، و تحت عنایت و کفالت برادر ارشد و روحانی خود حجة الاسلام سید غفور موسوی غروی درآمد.

استاد راوندی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ایمان و دوره دبیرستان را در مدرسه دارالفنون به پایان برد، سپس وارد دانشکده افسری شد و همانجا دوره سربازی را انجام داد. آنگاه جهت ادامه تحصیلات عالی خود در دانشکده حقوق - دانشگاه تهران - ثبت نام کرد و در رشته قضایی با درجه لیسانس فارغ التحصیل شد.

نامبرده پس از انجام تحصیلات عالی خود، مشاغل مختلفی را عهده دار شد. وی ابتدا در راه آهن تهران به کار پرداخت، سپس از سال ۱۳۱۸ ش. وارد دادگستری شد و به خدمات قضایی اشتغال ورزید. مدتی هم به سمت

ریاست ثبت کل کشور منصوب شد و سرانجام به سمت «دادیاری دیوان عالی کشور» انتخاب گردید، ولی شوق به تحقیق، بازنشستگی اش - در سال ۱۳۴۴ ش. - را به زیور تلاشی معنوی آراست.

حس میهن دوستی و دلبستگی به تاریخ این مرز پرگهر و مشتاقی اش به سنت ها و آداب زندگی مردمان این دیار، او را به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی مردم کشانید. علاوه بر آن سفر به فرانسه و دیدن کتاب هایی درباره زندگی روزمره توده مردم پاریس در سده های گذشته، ایشان را مصمم به پژوهش درباره زندگانی مردم و آداب و رسوم عادی و سایر طبقات مختلف کشور از لابلای تواریخ کهن نمود؛ به حدی که هر روز هشت ساعت کار مفید و پژوهش های پی گیر انجام می داد.

استاد راوندی به تاریخ و مردم و اندیشه پیوستگی داشت و عمری طولانی بر سر پژوهش و تحقیق و تلاش، نهاد و آثار قلمی فراوانی از خود به یادگار گذاشت. این آثار به شرح زیر است:

۱. تاریخ اجتماعی ایران، ده جلد، انتشارات امیرکبیر. حدود نیم قرن صرف نگارش و گسردآوری مطالب این اثر گرانسنگ شد. وی منابع گوناگون اعم از چاپی و خطی مورد استفاده و مراجعه خود قرار داده است. این کتاب به حق از منابع مهم و بسیار غنی در تاریخ ایران - از تاریخ ایران باستان تا عصر حاضر - به شمار می رود و اختلاف مطالب اعم از اجتماعی، هنری، سیاسی، تاریخی و عقایدی جنبه عمومی به کتاب داده است. جلد دهم این اثر در سال ۱۳۷۳ ش.

- در سوئد به چاپ رسید.
۲. سیر قانون و دادگستری در ایران، ۱۳۶۸ ش، انتشارات آوشین، ۴۹۰ ص.
  ۳. سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، ۱۳۶۴ ش، نشر گویا، ۳۱۸ ص.
  ۴. زندگی ایرانیان در خلال روزگاران، نشر گویا.
  ۵. تاریخ تحولات اجتماعی (تحولات اروپا)، دو جلد، ۴۰۶ + ۴۶۴ ص.
  ۶. تفسیر قانون اساسی ایران (شرح قانون اساسی مشروطیت)، امیرکبیر، ۱۶۱ ص.
  ۷. اقتصاد بشری، ترجمه، انتشارات امیرکبیر، قطع جیبی، ۱۰۴ ص.
  ۸. زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه.
  ۹. تاریخ روزنامه نگاری در ایران، خطی - ناتمام.
- استاد راوندی اعتقادی راسخ به مذهب و آیین تشیع داشت و از جاده انصاف و وجدان هیچ گاه دور نمی شد. وی دارای طبعی لطیف و روحی بلند و خیالی نازک بود. به طبیعت و حقیقت گرایش شدید داشت. با معانی و مفاهیم قرآنی انس و الفت زیادی از خود نشان می داد و در مجلدات مختلف تاریخ اجتماعی ایران، برخی از این مفاهیم را منعکس کرده است.
- عاقبت پس از چند ماه بستری در منزل (در پی عارضه مغزی)، در شب چهارشنبه ۳ جمادی ثانی ۱۴۲۰ ق مطابق با ۲۳ شهریور ۱۳۷۸ ش در بیمارستان آبان دیده از جهان فرو بست. پیکرش صبح روز پنجشنبه از مقابل بیمارستان مذکور تشییع و در قطعه ۸۸ بهشت زهرا - ویژه

فرهیختگان و هنرمندان- به خاک سپرده شد.

\*  
دکتر لطفی



استاد دکتر محمدحسن لطفی تبریزی، مترجم آثار فلسفی و محقق بنام آثار افلاطونی در سن ۸۲ سالگی در پی ابتلا به بیماری قلبی در تهران بدرود حیات گفت.

دکتر لطفی در سال ۱۳۳۸ ق/ ۱۲۹۸ ش. در شهر تبریز دیده به جهان گشود. وی بعد از گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۱۷ ش. به تهران رهسپار شد و در دانشکده حقوق به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۲۰ ش. موفق به دریافت لیسانس گردید. نامبرده در سال ۱۳۲۲ ش. با استفاده از بورس تحصیلی به اسلامبول (ترکیه) رفت و از آنجا موفق به عزیمت به آلمان شد و در دانشگاه گوتینگن دوره دکترارا گذراند و در سال ۱۳۲۵ ش. به اخذ درجه دکترادر حقوق جزایی نایل گردید.

استاد لطفی بعد از سپری کردن تحصیلات دانشگاهی، چندی به عنوان «دستیار استاد زبان فارسی» مشغول تدریس شد. وی در سال ۱۳۲۷ ش. به ایران بازگشت و به مدت دو سال در دانشگاه تبریز با سمت دانشیاری مشغول خدمت فرهنگی گردید. در اوایل سال

۱۳۲۹ ش. مجدداً به آلمان رفت و پس از چند ماه اقامت به ایران مراجعت نمود و در جریان نهضت ملی شدن نفت به فعالیت‌های سیاسی رو آورد که مدت زیادی دوام نیافت.

ایشان در سال ۱۳۲۹ ش. در تهران اقامت نمود و تا سال ۱۳۵۷ ش. به کار وکالت دادگستری اشتغال داشت. پس از آن عمر خود را وقف خواندن و نوشتن و ترجمه آثار فلسفی نمود. وی به زبان‌های آلمانی، انگلیسی و فرانسوی تسلط داشت و از بهترین مترجمان آثار فلسفی به زبان فارسی به شمار می‌رفت. وی کار ترجمه را از سال ۱۳۲۸ ش. آغاز کرد و آثار فلسفی افلاطون را با همکاری دکتر رضا کاویانی، ترجمه نمود و پس از درگذشت کاویانی به تنهایی کار ترجمه را ادامه داد.

استاد لطفی، در طی مدت نزدیک به چهل سال، عمده‌ترین مشغله خود را در ترجمه آثار کلاسیک و متون اصلی فلسفه قرار داده بود، و با ترجمه بیش از ده هزار صفحه، خدمت ارزشمندی به جامعه علمی ایران در دهه‌های گذشته انجام داد.

بیشتر آثار استاد، ترجمه کتب فلسفی است که در تهران به صورت رقعی چاپ شده است. فهرست آنها به شرح زیر است:

۱. زندگی و آثار افلاطون، ۱۳۳۲ ش، انتشارات صفی علیشاه.
۲. دوره آثار افلاطون، چهار جلد، ۱۳۵۷ ش، انتشارات خوارزمی.
۳. افلاطون، اثر یاسپرس، ۱۳۵۷ ش، انتشارات خوارزمی، ۱۸۸ ص.
۴. افلاطون، اثر بورمان،

۱۳۷۵ ش، انتشارات طرح نو، ۲۱۲ ص.

۵. سقراط، ۱۳۵۸ ش، انتشارات خوارزمی، ۱۰۵ ص.

۶. فلوطین، ۱۳۶۳ ش، انتشارات خوارزمی، ۱۴۵ ص.

۷. آغاز و انجام تاریخ، ۱۳۶۳ ش و چاپ دوم آن ۱۳۷۳ ش، انتشارات خوارزمی، ۳۷۱ ص.

۸. آگوستین، ۱۳۶۳ ش، انتشارات خوارزمی، ۱۵۵ ص.

۹. دوره آثار فلوطین، دو جلد، ۱۳۶۶ ش، انتشارات خوارزمی، ۱۱۲۷ ص.

۱۰. رساله‌های منسوب به افلاطون، ۱۳۶۷ ش، انتشارات خوارزمی.

۱۱. خاطرات سقراطی، ۱۳۷۳ ش، انتشارات خوارزمی، ۲۱۶ ص.

۱۲. متفکران یونانی، سه جلد، ۱۳۷۵ ش، انتشارات خوارزمی، ۱۸۵۸ ص.

۱۳. پایدیا «تاریخ ادب و فرهنگ یونان»، سه جلد، ۱۳۷۶ ش، انتشارات خوارزمی، ۱۴۳۴ ص. این اثر در شانزدهمین دوره انتخاب کتاب سال، به عنوان کتاب برگزیده سال ۱۳۷۷ ش. در علوم فلسفی معرفی شد.

۱۴. فلسفه افلاطون.

۱۵. تاریخ جنگ پلوپونزی، ۱۳۷۷ ش، انتشارات خوارزمی.

۱۶. فرهنگ رنسانس در ایتالیا، ۱۳۷۶ ش، انتشارات طرح نو، ۵۱۱ ص.

۱۷. سه گانه ارسطو «مابعدالطبیعه، اخلاق نیکوماخوس و سماع طبیعی»، سه جلد، ۱۳۷۷ ش، انتشارات طرح نو، ۱۱۹۱ ص.

۱۸. اومانيسم و تحول آن در اروپا، ترجمه این اثر ناتمام ماند.

۱۹. مرگ سقراط «تفسیر چهار رساله افلاطون»، ۱۳۷۶ ش، انتشارات طرح نو، ۲۸۸ ص.

۲۰. گفتارها، ۱۳۷۷ ش، انتشارات خوارزمی، ۴۳۳ ص.

۲۱. اسپینوزا، ۱۳۷۵ ش، انتشارات طرح نو، ۱۵۹ ص.

دکتر لطفی پس از عمری طولانی خدمت به ساحت علم و فرهنگ ایران، سرانجام در پی ابتلا به بیماری قلبی در روز سه شنبه ۱۴ شعبان ۱۴۲۰ ق مطابق با ۲ آذر ۱۳۷۸ ش در تهران بدرود حیات گفت پیکرش در بهشت زهرا مدفون شد.

\*

### آية الله هاشم، اصفهانی



آية الله حاج سيد اسماعيل هاشمی، از دانشمندان و بزرگان به نام و خدمتگزار راستین مردم اصفهان در سن ۹۹ سالگی در جوار مرقد ثامن الحجج (ع) - مشهد مقدس - دارفانی را وداع گفت.

ایشان در سال ۱۳۲۱ ق. مطابق با ۱۲۸۲ ش. در طالخونچه - از توابع مبارکه اصفهان - دیده به جهان گشود. پدرش علامه سيد محمدحسن فرزند سيد ابراهيم موسوی (متوفای ۱۳۴۶ ق در طالخونچه) از فضلا و ائمه جماعت معروف طالخونچه بود که تحصیلات

عالی خود را در اصفهان و نزد اساتیدی چون حضرات آیات: میرزا ابوالمعالی کلباسی، میرزا جهانگیرخان قشقایی، آخوند ملا محمد کاشی و سيد محمدباقر درچه ای به پایان برده بود.

مرحوم هاشمی پس از رشد و نما، مقدمات را نزد پدر ارجمند و برادر ارشد خود حجة الاسلام والمسلمین سيد علی اکبر هاشمی (۱۳۱۸-۱۳۸۸ ق مدفون در تخت فولاد) و در مکتبخانه های قدیمی به پایان برد. سپس در حدود ۱۳۳۹ ق. به اصفهان رهسپار شد و در مدرسه ناصریه و بعداً در مدرسه حاج شيخ محمدعلی ثقة الاسلام مسجدشاهی سکونت اختیار نمود، و دروس ادبی را نزد علامه شيخ محمدجواد فریدنی (متوفای ۱۳۷۵ ق) فراگرفت. شرح لمعه را نزد علامه میرزا احمد مدرس خراسانی (متوفای ۱۳۴۸ ق) و دروس ریاضی و هیئت را از محضر علامه شيخ مجدالدین نجفی (مسجدشاهی) (متوفای ۱۴۰۳ ق) و شرح نهج البلاغه را از محضر آية الله شيخ محمدرضا کلباسی (متوفای ۱۳۸۳ ق) و دروس اخلاقی را از علامه سيد زين العابدين طباطبائی ابرقوئی (متوفای ۱۳۷۲ ق) و آقا محمدجواد بیدآبادی (متوفای ۱۳۴۴ ق) و برخی از دروس را از محضر آیات: شيخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی (متوفای ۱۳۶۲ ق) و شيخ مهدی نجفی مسجدشاهی (متوفای ۱۳۹۳ ق) بهره مند گردید.

وی به اتفاق برادرش در حدود سال ۱۳۴۲ ق. به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس سطح را از اساتید به نام چون: شيخ ابوالقاسم قمی (کبیر)، شيخ محمدعلی حائری قمی، شيخ محمدحسن نویسی و سيد محمدرضا

گلپایگانی بیاموخت. آنگاه در درس عالی خارج حاضر گردید و از فقهای بزرگی چون حضرات آیات: حاج شيخ عبدالکریم حائری یزدی (به مدت ۳ سال)، سيد محمد حجت کوهکمری (مدت کوتاهی)، سيد محمدتقی خوانساری، سيد صدرالدین صدر و شيخ محمدحسن نویسی (خارج مکاسب) و دروس عقلی را از علامه حکیم شيخ محمدمهدی مازندرانی (امیر کلاهی) و میرزا آقا ترابی دامغانی و دروس تفسیری را از علامه سيد محمدباقر قزوینی بهره مند گردید.

هاشمی در سال ۱۳۶۰ ق. به زادگاهش بازگشت و در اثر احساس نیاز مردم و وظیفه شرعی چندی آنجا به بیان احکام و ایراد سخنرانی و اقامه جماعت اشتغال ورزید. سپس مدتی چند در روستای قمبوان - چند کیلومتری طالخونچه - و چندی نیز در شهرضا به وظایف دینی و اجتماعی اهتمام کامل داشت. وی در آن خطه، مساجدی که در شرف خرابی بود، تعمیر و اقدام به تشکیل جلسات مذهبی و نیز تأسیس کتابخانه عمومی نمود. او در این مدت به مطالعه و اندوختن معلومات و نگارش آثار قلمی به طور جدی روی آورد.

سرانجام در سال ۱۳۸۴ ق. به شهر اصفهان منتقل شد و در مسجد حضرت سجاد (ع) - واقع در خیابان آتش - به اقامه جماعت و ارشاد و انجام سایر وظایف دینی همت گمارد و در مساجد و مجالس مذهبی مردم را به تفسیر آیات قرآنی و شرح احادیث معصومین (ع) با بیانی شیوا و روشی گیرا آشنا می ساخت. اشتغالات علمی ایشان در حوزه اصفهان عبارت بود از تدریس فقه و اصول و بیان احکام آیات



استاد مدرس گیلانی



الهی و نیز وعظ و ارشاد و همچنین شرکت در جلسه استفتای آیه الله سید علی بهبهانی (رامهرمزی) است.

تالیفات

۱. الأربعون حدیثاً، به نام الملتقطات فی فضل الصلوات، عربی.
۲. رهبر زوار یا ذریعة الزائر در زیارات معصومین (ع) و تاریخچه کربلا، در چهل حدیث گردآوری شده و به چاپ رسیده است.
۳. شهادة الشهداء در شرح و ترجمه لوح حضرت زهرا (ع) (یا لوح جابر)، چاپ شده.
۴. لؤلؤ درخشان، در صفت بهترین زنان یا الدرّة البیضاء فی مناقب سیده النساء (ع)، به فارسی چاپ شده.
۵. هدیه الاخوان (درباره صفت برادران و دوستان)، چاپ شده.
۶. ضیاء البشر در ردّ شیخیه کرمان.
۷. رساله ای در ردّ صوفیه.
۸. دیوان اشعار، به زبان های عربی و فارسی.

هاشمی که چند سال عضو مجلس خبرگان بود، سرانجام هنگام شرکت در یکی از جلسات این مجلس در مشهد مقدس به تاریخ پنجشنبه ۲۸ جمادی اول ۱۴۲۰ ق مطابق با ۱۸ شهریور ۱۳۷۸ ش- شب جمعه- دار فانی را وداع گفت و پس از طواف دادن پیکرش در حرم ثامن الحجج (ع) به اصفهان انتقال داده شد و در صبح روز یکشنبه در اصفهان با حضور انبوه مردم سوگوار تشییع و پس از ادای نماز میت توسط علامه مظاهری- ریاست حوزه علمیه اصفهان- در جوار علامه مجلسی به خاک سپرده شد.

\*

استاد و دانشمند گرانقدر شیخ مرتضی مدرس گیلانی، از نویسندگان و پژوهشگران نامی و پرکار، پس از گذشت ۸۵ بهار از عمر خویش در پی بیماری در بیمارستان لقمان زندگی را وداع گفت. وی در عصر روز سه شنبه ۷ ربیع الاول ۱۳۳۵ ق. در محله عمارة از محلات مجاور حرم مطهر علوی (ع) در نجف اشرف دیده به جهان گشود. پدرش آیه الله شیخ شعبان گیلانی (۱۲۷۵-۱۳۴۸ ق) از فقها و مراجع مشهور نجف اشرف بود. شیخ شعبان علوم مهم اسلامی را از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی، شیخ محمد فاضل ایروانی و شیخ عبدالله مازندرانی استفاده نمود. ایشان در علوم عقلی و نقلی و زهد و تقوا مقامی بس والا و ارجمند داشت.

استاد مرتضی مدرس، ادبیات و علوم مختلف عربیت را نزد اساتید آن دوره از جمله علامه سید هاشم آل عطیه نجفی به نحو شایانی فرا گرفت. بر اثر ذکاوت و فطانت و عشق به علوم و فنون دیگر به کسب آنها پرداخت، که می توان به طور خلاصه به آن علوم و اساتید همان دوره اشاره نمود: علم عروض و قافیه را از شیخ قاسم محیی الدین و شیخ محمد سماوی، ریاضیات و حساب عالی را از

سید ابوالقاسم خوانساری و شیخ محمد ادیب تهرانی (ادیب الأشراف)، هیئت و نجوم را از میرزا اسدالله زنجانی و شیخ علی نقی شمس الدین بادکوبه ای، اخلاق و عرفان را از سید علی قاضی طباطبائی، طب قدیم را از میرزا علی طبیب یزدی و شیخ علی فرزند محمد طبیب سمناوی (کتاب قانونچه) و علوم عقلی را از شیخ مرتضی طالقانی (اشارات بوعلی) و شیخ نعمت الله دامغانی و سید محمد جواد طباطبائی تبریزی (به مدت ۱۲ سال).

اما سیر تحصیلی اش در حوزه علمیه به این شیوه بود: معالم الدین و شرح لمعه را نزد شیخ محمد فاضل قاینی، کفایة الاصول را نزد شیخ صدرا بادکوبه ای تلمذ کرد و دروس خارج را از محضر آیات: شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (فقه)، شیخ موسی دعیبیل (فقه)، سید ابوالحسن اصفهانی (مدت کوتاهی در فقه)، شیخ محمد کاظم شیرازی، شیخ علی بن جواد مرندی (کتاب قواعد الأحکام)، میرزا حسن بجنوردی (فقه و اصول به مدت دو سال) و سید احمد مستنط تبریزی (فقه و اصول به مدت ۱۲ سال) استفاده نمود.

استاد مدرس در سال ۱۳۶۵ ق. به ایران سفر کرد و مدتی چند در تهران و قم توقف داشت و از محضر اساتیدی چون: شیخ محمد علی شاه آبادی (بخشی از اسفار) و شیخ حبیب الله ذوالفقون عراقی (در هیئت و نجوم) و در قم از محضر میرزا علی ناسوتی یزدی (کتاب الهدایة الاثیریة) بهره های فراوان برد.

استاد مرتضی مدرس با دانش و دانشمندان روابط نزدیک و تنگاتنگی داشت و محضر بسیاری از فقها و اصولیین و حکما و زهاد را درک نمود و



توانست از جمعی، اجازات اجتهاد و روایت حدیث دریافت کند که می توان به برخی از مشایخ او اشاره کرد: سید جمال الدین گلپایگانی (اجازة اجتهاد)، شیخ آقا بزرگ تهرانی (اجازة روایت)، میرزا محمد عسکری تهرانی (سامرائی)، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ عبدالحسین رشتی، شیخ علی قمی (زاهد و فقیه معروف) و شیخ محمد سماوی.

نامبرده از اساتید بنام حوزه علمیه نجف اشرف بود که علاوه بر تدریس متون کتب درسی، در تدریس علوم ادبی و عروض و قافیه و هیئت و نجوم و حکمت نظری مهارت کامل داشت و گروه زیادی از اساتید و فضلاء معاصر محضرش را در آن دیار درک کرده و به کسب دانش پرداختند.

ایشان به دلایل نامعلومی در سال ۱۳۷۵ ق. مطابق با ۱۳۳۵ ش نجف را برای همیشه ترک گفت و به ایران مهاجرت کرد و در تهران سکوت اختیار نمود، و به تألیف و پژوهش و نشر آثار قلمی خود و نیز تدریس در مدرسه مروی پرداخت. آنگاه در سال ۱۳۸۲ ق مطابق با ۱۳۴۲ ش در مدارس پایتخت به تربیت و تعلیم جوانان اشتغال ورزید و رسماً در سال ۱۳۶۴ ش. به افتخار بازنشستگی نایل آمد و تدریس را به طور خصوصی در منزل خود ادامه داد.

از کارهای برجسته ایشان استخراج و نشر تقویم نجومی بود که سال های متمادی تقویم ایشان در سایر شهرهای ایران پخش می شد، ولی متأسفانه در سنوات آخر عمر خود موفق به چاپ آنها نمی شد، با این همه به تحریر و تکثیر آنها به طور محدود اقدام می نمود.

#### آثار قلمی

۱. دلائل الأحكام فی الفقه الجعفری، دورة فقهية استدلالية.
۲. تحرير الرسائل فی اصول الفقه، ۱۳۷۷ ق، مطبوعاتی عطائی تهران، ۱۲۲ ص.
۳. تحرير المكاسب فی الفقه، ۱۳۷۶ ق، تهران، ۶۸ ص.
۴. شرح المدخل فی النجوم.
۵. الاسطرلاب عند الشرقيين.
۶. قبلة الآفاق فی الهيئة.
۷. الحواشي علی مصادرات اقلیدس (فی الهندسة).
۸. اصول الهيئة.
۹. ترجمة كتاب الجبر، اثر خوارزمی.
۱۰. شرح جبر الخلاصة.
۱۱. ترجمة كتاب اللمعة فی الفقه، اثر شهید اول.
۱۲. مفهوم المشتق.
۱۳. رسالة فی عدم مسؤولية الصغير.
۱۴. أجوبة المنشود فی الفقه.
۱۵. رسالة فی اثبات وجوب المقدمة.
۱۶. قاعدة لاضرر ولاضرار (ترجمه).
۱۷. أجوبة الطباطبائي (ترجمه).
۱۸. منطق و فلسفه، ۱۳۴۵ ش، انتشارات ناطق تهران، رقیعی، ۲۴۳ ص.
۱۹. مدخل الزیج فی الهيئة.
۲۰. تاریخ نجف اشرف، دو جلد.
۲۱. وقایع و مقالات، فارسی.
۲۲. الوقایع و المقالات.
۲۳. فلسفة الملاصدرا الشیرازی.
۲۴. دستور فارسی، چاپ شده.
۲۵. دستور زبان فارسی، چاپ شده.
۲۶. لغات کليلة و گلستان، انتشارات

- عطائی، تهران.
۲۷. لغات متشابه و مشتقه، انتشارات عطائی، تهران.
۲۸. النحو والصرف، چاپ شده.
۲۹. شرح لامية العجم با نام (السیل المفصم).
۳۰. شرح عینیة ابن سینا.
۳۱. شرح لامية العرب.
۳۲. فلسفة قديم، ترجمه هداية الحکمة.
۳۳. شرح ميمية الفرزدق.
۳۴. شرح رباعی افضل الدين کاشانی.
۳۵. الشرعيات، چاپ شده.
۳۶. اخلاق الگيلانی، چاپ شده.
۳۷. معجم الحكماء (فی تراجم الحكماء والفلاسفة).
۳۸. حکمة الأسرار (منظومه ای است در اخلاق و عرفان)، چاپ شده.
۳۹. ترجمة الفهرست، اثر ابن الندیم، ناقص است.
۴۰. عروض و قافیه و بدیع، چاپ شده.
۴۱. العروض والقافية و البدیع، چاپ شده.
۴۲. حواشی مختصرة علی کتاب الأسفار.
۴۳. خودآموز فارسی.
۴۴. مبادئ الهندسة.
۴۵. فرهنگ گیلانی، ۱۳۳۸ ش، انتشارات عطائی تهران، جیبی، ۷۸۶ ص.
۴۶. منهج البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع.
۴۷. ترجمة الفقه الأكبر، اثر ابوحنيفة شافعی.
۴۸. لغتنامه هفت اورنگ.

۴۹. انباء البلاد (أو الرحلة الإيرانية)، سفرنامه اش در سال ۱۳۶۵ ق. به ایران. ۵۰. تعلیمات مدنی، چاپ شده. ۵۱. تقویم خمسين عاماً. ۵۲. دیوان گیلانی، چاپ شده. ۵۳. کلید قرآن. ۵۴. لغات دبستان، چاپ شده. ۵۵. ترجمه مبادئ الفلسفة. ۵۶. مختصری در علم قافیه، چاپ شده. ۵۷. دیوان گیلانی (اشعار فارسی). ۵۸. لغات القرآن. ۵۹. المختصر فی الفقه الشافعی. ۶۰. شرح کتاب الجبر، اثر خواجه نصیر طوسی. ۶۱. شرح کتاب الهندسة، اثر خواجه نصیر طوسی. ۶۲. معجم الشعراء، دو جلد. ۶۳. معجم شعرا، به فارسی است. ۶۴. حدّ الغروب علی المذهب الجعفري. ۶۵. الحكومة والورود فی اصول الفقه. ۶۶. القضاء والقدر (فی الکلام). ۶۷. صرف آسان. ۶۸. الأشاعرة والمعتزلة فی الاسلام. ۶۹. پاسخ های مدرس گیلانی. ۷۰. شعر شناسی. ۷۱. خودآموز صرف. ۷۲. تجوید القرآن. ۷۳. شأن نزول القرآن. ۷۴. معارف القرآن. ۷۵. الحساب والهندسة. ۷۶. ده مقاله در طب یونانی، چاپ شده. ۷۷. رساله فی الحق والملك.
۷۸. ترجمه قرآن کریم، به زبان فارسی. ۷۹. شرح واجب الاعتقاد (در کلام). ۸۰. ترجمه شرح باب حادی عشر، اثر علامه حلی. ۸۱. اصول فقه. ۸۲. معانی و بیان. ۸۳. شرح آیات الهادی. ۸۴. منطق و ارسطو، چاپ شده. ۸۵. فلسفه مابعدالطبیعه یا فلسفه قدیم، ترجمه هدایه الحکمه، ۱۳۶۲ ش، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران. ۸۶. تاریخ محکومان زمان مشروطیت. ۸۷. توضیح المسائل فی شرح بعض المسائل من قواعد الأحکام. ۸۸. غزالی با شما سخن می گوید (منتخب کیمیای سعادت)، ۱۳۵۰ ش، چاپ چهارم، قطع جیبی، ۱۲۸ ص. ۸۹. تاریخ نگارستان، اثر احمد غفاری کاشانی (قرن ۱۰)، تصحیح و پاورقی، ۱۳۴۰ ش، ۵۸۰ ص. ۹۰. ترجمه الخصال، اثر شیخ صدوق، دو جلد ۳۳۳+۳۴۴، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲ ش. ۹۱. اختلاف المذاهب فی الفقه (در فقه مذاهب پنجگانه). ۹۲. التلخیص فی الفقه. ۹۳. ثلاث مقالات فی الهندسة. ۹۴. مطالع الأنوار فی المنطق، اثر قاضی محمود ارموی، تصحیح. ۹۵. هدایه الحکمة، اثر ابهری، تصحیح. ۹۶. الاشارات، اثر ابن سینا، تصحیح. ۹۷. آلات المرصد، اثر دمشقی، تصحیح. ۹۸. اللعة الدمشقية، اثر شهید اول، تصحیح. ۹۹. الشمسية فی المنطق، اثر کاتبی قزوینی، تصحیح. ۱۰۰. مشنوی هفت اورنگ، اثر جامی، تصحیح، ۱۳۳۸ ش، انتشارات سعدی تهران، ۱۰۵+۳۶ ص. ۱۰۱. دیوان ناصر صفا کرمانی، تصحیح. ۱۰۲. هزلیات فوقی (فوق الدین محمد یزدی)، تصحیح، ۱۳۴۲ ش، انتشارات عطائی تهران. ۱۰۳. بزم ایران، اثر سید محمدرضا یزدی، تصحیح، چاپ شده. ۱۰۴. پندنامه غزالی، تصحیح، چاپ شده. ۱۰۵. تسلیة الاخوان، اثر جوینی، تصحیح. ۱۰۶. حجة القطع، اثر شیخ شعبان گیلانی، تصحیح، ۱۳۵۷ ش، تهران. ۱۰۷. کتاب القضاء، اثر شیخ شعبان گیلانی، تصحیح، چاپ شده. ۱۰۸. دیوان السعدی العربی، جمع و تصحیح. ۱۰۹. کلیات السعدی الشیرازی، تصحیح. ۱۱۰. أحكام الخلل فی الصلاة، اثر شیخ شعبان گیلانی، تصحیح، ۱۳۵۸ ش، تهران، ۱۷۲ ص. ۱۱۱. المقالات العلمية، اثر شیخ شعبان گیلانی، تصحیح، ۱۳۵۹ ش، تهران، ۱۳۴ ص. ۱۱۲. اخلاق غزالی یا کلید معرفت، ۱۳۵۷ ش، انتشارات عطائی تهران، ۱۸۹ ص.

۱۱۳. پیش‌گویی و طالع‌گیری.  
 ۱۱۴. سه مقاله در مساحت.  
 ۱۱۵. ضعفای صحاح (در رجال).  
 ۱۱۶. تقویم سیارات (در ۳۰ جلد).  
 ۱۱۷. دایرةالمعارف، در چهار جلد، آماده چاپ است.  
 ۱۱۸. سخنرانی‌های خلفا.  
 ۱۱۹. دلائل الفقه، فقه استدلالی.  
 ۱۲۰. شرح زبدة الاصول (اثر شیخ بهائی).  
 ۱۲۱. دلائل الکلام (فی علم الکلام).  
 ۱۲۲. دلائل الاعتقاد (فی العقائد).  
 ۱۲۳. شرح الفیة ابن مالک (فی النحو).  
 ۱۲۴. شرح بدایة النهایة فی الفقه.  
 ۱۲۵. تاریخ اخباری و اصولی.  
 ۱۲۶. علوم یونان.  
 ۱۲۷. حکمة المشاء.  
 ۱۲۸. شرح تشریح الأفلک.  
 ۱۲۹. جذر اعداد.  
 ۱۳۰. پنج مقاله در طب یونانی.  
 ۱۳۱. آهنگ مدرس (اشعار).  
 ۱۳۲. خودآموز عربی، چاپ شده.  
 ۱۳۳. فلسفه یونانی، در هفت جلد (شامل: منطق، اخلاق، ریاضی، طبیعی، معرفة النفس و فلسفه الهی).  
 ۱۳۴. سه مقاله در اسطرلاب.  
 ۱۳۵. شرح فارسی منظومه سبزواری.  
 ۱۳۶. القضاء والشهادات (علی المذهب الجعفری و الشافعی).  
 ۱۳۷. بزم عشاق.  
 ۱۳۸. فقه جعفری.  
 ۱۳۹. ترجمه مقامات حریری.  
 ۱۴۰. زندگی نامه ائیرالدین ابهری.  
 ۱۴۱. شرح و ترجمه خلاصة الحساب، اثر شیخ بهائی.  
 ۱۴۲. هفت مقاله یا زندگینامه همدانی.  
 ۱۴۳. خودآموز فارسی اصول.  
 ۱۴۴. ترجمه آلات مرصد، اثر دمشقی.  
 ۱۴۵. چهار مقاله در علوم عربی.  
 ۱۴۶. ده مقاله در دستور فارسی.  
 ۱۴۷. مسائل نجومی.  
 ۱۴۸. اصول عقاید امامیه.  
 ۱۴۹. هفتاد و پنج گفتار نجومی.  
 ۱۵۰. ترجمه ۹۰ غزل از حافظ (به عربی).  
 استاد مدرس گیلانی سال‌های آخر عمر خود را در انزوا و عزلت گذراند و از بیماری کلیه و ضعف بینایی رنج می‌برد. با این همه از تألیف و نگارش باز نماند و هرگز لذت مطالعه و پژوهش در او کاسته نشد. چند ماه آخر بیماری داخلی بر او غلبه یافت و به همین خاطر در بیمارستان لقمان-تهران بستری شد؛ ولی جان خسته او پس از چند روز اغما و بر اثر ایست قلبی عالم خاکی را برای همیشه ترك گفت و به دیدار معبود شتافت.  
 مرگش در روز یکشنبه ۲۵ ربیع ثانی ۱۴۲۰ ق. مطابق با ۱۷ مرداد ۱۳۷۸ ش.  
 در بیمارستان مذکور اتفاق افتاد. پیکرش با حضور جمعی از دوستان و شاگردانش روز سه شنبه تشییع و در قبرستان بهشت زهرا-قطعه ۲۴۱-به خاک سپرده شد.  
 عبدالحسین جواهر کلام  
 \*\*\*

## فرهنگی

### گشت و گذاری در سیزدهمین نمایشگاه

#### بین المللی کتاب تهران

سیزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب از ۱۳ الی ۲۳ اردیبهشت، در محل دائمی نمایشگاه‌های بین المللی تهران با حضور ۱۷۵۰ ناشر داخلی و خارجی برگزار شد. به حتم این گونه همایش‌ها، در

سیزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، محورهای اساسی و سیاست‌های کلی را در برپایی نمایشگاه کتاب، چنین بر شمرده است: «ارتقای کیفیت نمایشگاه و اهتمام در واگذاری بخش‌های مختلف به تشکل‌ها و ایجاد محیطی دوستانه و صمیمی برای اهل اندیشه و قلم، و تلاش

ایجاد محیطی صمیمی و دوستانه برای اصحاب قلم و اندیشه، بسیار مؤثر و مفید است؛ به ویژه در کشوری مانند ایران که به شدت نیاز به گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی دارد.

آقای احمد مسجد جامعی، قائم مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس